

## اعتراض هماهنگ پرستاران در چند استان کشور

اعلامیه حزب حکمتیست

### انفجار توده ای برای سرنگونی در لبنان

"الشعب، یُرید، اسقاط النظام!"

"مرگ بر ظالمان، چه در بیروت چه تهران!"

### لبنان: ده روز اشک و خشم و عصیان

تحولات لبنان و آینده آن،

صفحه ۵

گفتگو با فاتح شیخ

### شبح کمونیسم بر فراز جامعه در گشت و گذار است!

صفحه ۷

آذر ماجدی

### هراس از انقلاب، آشتی با "شیطان بزرگ"

صفحه ۹

جمال کمانگر

### سیاست پیش فروش نفت به مردم

اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی

صفحه ۱۰

سعید یگانه

#### جنبش کارگری،

#### نبض تپنده سیاست ایران

سیاوش دانشور

#### خصومت تاریخی

#### بورژوازی با کمونیسم

جاوید حکیمی

۵۵۶

# مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۲۴ مرداد ۱۳۹۹ - ۱۴ اوت ۲۰۲۰

### اعتصاب نیشکر هفت تپه،

### آخرین تحولات

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه دو ماه را پشت سر گذاشت. شصت روز تلاش و مقاومت برای تحمیل و تحقق خواستهای اعتصاب، بالاخره به مرحله ای رسید که افق پیروزی اعتصاب را روشنتر کرده است. از دستاوردهای مهم این اعتصاب منزوی کردن شورای اسلامی و دشمنان کارگران، درهم شکستن انواع توطئه و تهدید برای شکست و پایان اعتصاب، متکی شدن کارگران به مجمع عمومی و اراده جمعی، پس زدن تظاهر به بی اعتنائی حکومتی ها و وادار کردن آنها برای پاسخگویی به خواستهای کارگران است.

تاکنون دو جلسه در کمیسیون اصل نود با نمایندگان کارگران برگزار شده که دومی آن روز چهارشنبه ۲۲ مرداد برگزار شد و جلسه نهائی قرار است چهارشنبه آتی ۲۹ مرداد برگزار شود. در جلسه این هفته که نمایندگان نهادهای مختلف حکومتی مقابل نه نماینده کارگران قرار گرفتند، در بحث ها ابتدا به چرائی عمل نکردن به وعده هایشان و سرهم کردن توجیهاات معمول پرداختند. این در شرایطی است که استنادار خوزستان و مقامات استان که در طول اعتصاب حتی دو دقیقه قدم رنجه نکرده بودند پیش کارگران بروند، در مورد وعده پرداخت حقوق های معوق مسابقه مصاحبه و گفتگو گذاشته بودند و هر جناح تلاش داشت به سینه اش

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## اعتصاب نیشکر هفت تپه،

### آخرین تحولات ...

برای وعده پرداخت دو ماه حقوق مدال بزنند! شریعتی استاندار خوزستان که از حامیان پروپاقرص کارفرما است و حتی فرق هکتار را با تن نمی داند، با اعتراض و انتقاد تند کارگران در جلسه مواجه شد.

این جلسه چند مصوبه داشت که جملگی مقامات حاضر متعهد شدند طی هفته جاری آنها را اجرا کنند:

اول، تمدید دفترچه های بیمه کارگران تا پایان سال توسط تامین اجتماعی حداکثر تا چهارشنبه آتی. دوم، پرداخت حقوقهای ماههای اردیبهشت و خرداد تا روز چهارشنبه ۲۹ مرداد توسط وزارت تعاون و کار و رفاه اجتماعی. سوم، بازگشت به کار پرسنل اخراجی و مکلف شدن استاندار به پیگیری آن طی هفته آتی. چهارم، پیگیری خلع ید از کارفرمای هفت تپه امید اسدیگی تا هفته آتی.

در مورد آخر؛ یعنی خلع ید از اسد بیگی، قرار بود دولت در جلسه دوشنبه گذشته تصمیم گیری کند اما از آنجا که تیم روحانی-جهانگیری از حامیان اسد بیگی است اینکار اساسا در دستور هیئت دولت قرار نگرفته بود. بدنبال اعتراض نمایندگان کارگران و برخی از نمایندگان مجلس، رئیس سازمان خصوصی سازی به توجیه پرداخت و از ناتوانی در این تصمیم گیری توسط این سازمان سخن گفت. حتی این مسئله را به تصمیم رئیس جمهور و سران سه قوه ارجاع داد. این موضوع به جدل حکومتی ها بدل شد و به وی گفتند اگر بعنوان رئیس

این سازمان اختیار نداری استعفا بده و هفته بعد هم به این جلسه نیائید! نهایتا جلسه کمیسیون اصل نود وی را مکلف کرد که نهایتا تا چهارشنبه آتی ۲۹ مرداد، این سازمان و هیئت دولت باید نظر خود را در مورد خلع ید اسد بیگی کارفرمای اختلاسگر اعلام کند.

یک مسئله یعنی خواست محوری کارگران مبنی بر لغو خصوصی سازی در این جلسه مورد بحث قرار نگرفت و بحث بیشتر روی خلع ید از کارفرما متمرکز شد. از فحوی بحث مجلسی ها اینطور برمی آید که تلاش دارند برسر این مسئله مهم مانور بدهند و طفره بروند. برخی به "اختصاصی سازی" بجای خصوصی سازی انتقاد دارند، برخی از تعیین کارفرمائی "با اهلیت" حرف می زنند و برخی راه های میانی طرح می کنند و منافع جناح خودشان را دنبال می کنند. کارگران اما منتظرند که کارفرمای کنونی را بیرون بیاندازند و برای راه حل خودشان که اعلام کردند "دولت باید به وزارت کشاورزی واگذار شود و کارگران هفت تپه بر آن نظارت کامل داشته باشند" تاکید دارند.

کارگران تقریبا توانسته اند بیشتر خواست هایشان را با شجاعت و استقامت بی نظیر طی شصت روز اعتصاب بدست آورند. اما چنانچه خواست اصلی اعتصاب یعنی لغو خصوصی سازی متحقق نشود، وارد فاز سوم اعتصاب خواهند شد. درود بر رزم و اتحادتان!

سردبیر.

۱۳ اوت ۲۰۲۰

## بار آوری کار و بیکاری

بهبود تکنیک و افزایش بار آوری و قدرت مولده کار، به معنی جایگزینی هر چه بیشتر نیروی کار زنده با دستگاهها و ماشین آلات و سیستم های اتوماتیک است. در یک جامعه انسانی و آزاد این قاعدتا به معنای فراهم شدن فرصت بیشتر برای فراغت و لذت بردن از زندگی برای همه است. اما در جامعه سرمایه داری، که نیروی کار و وسائل کار صرفا کالاهایی هستند که سرمایه با هدف کسب سود در اختیار گرفته است، جایگزینی ماشین بجای انسان بصورت بیکاری و بیکار سازی دائمی بخشی از طبقه کارگر، و محروم شدنش از امکان تامین معاش، نمودار میشود. پیدایش یک ارتش ذخیره از کارگران بیکار، که حتی امکان فروش نیروی کار خویش را ندارند، یک نتیجه جبری روند انباشت سرمایه است که در عین حال خود یک شرط وجودی تولید سرمایه داری را تامین میکند. وجود ارتش ذخیره ای از بیکاران، که اساسا به هزینه خود بخش شاغل طبقه زنده نگاهداشته میشود، رقابت در صفوف طبقه کارگر را تشدید میکند و سطح دستمزد را در حداقل ممکن پائین نگاه میدارد. این ارتش ذخیره همچنین امکان میدهد سرمایه با سهولت نیروی کار مورد استفاده خود را به تناسب نیازهای بازار کاهش یا افزایش بدهد. بیکاری، یک عارضه جانبی بازار و یا نتیجه سیاست غلط این یا آن دولت نیست، بلکه جزء ذاتی کارکرد سرمایه داری و جریان انباشت سرمایه است.

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## اعلامیہ حزب حکمتیست

## اعتراض ہماہنگ پرستاران در چند استان کشور



خواست پرستاران برای الغای شرکتهای پیمانی و برخورداری از قراردادهای دائم، از خواستهای محوری طبقه کارگر ایران در مراکز نفت و گاز و پتروشیمی ها و عمده مراکز تولیدی و خدماتی است. درود بر پرستاران این عزیزان خط مقدم مقابله با بیماری کرونا!

## حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۲ مرداد ۱۳۹۹ - ۱۳ اوت ۲۰۲۰

روز دوشنبه ۲۰ مرداد، پرستاران در استانهای مختلف ایران بطور هماهنگ اعتراض همزمان برگزار کردند. پرستاران پیمانی و موسوم به شرکتی بیمارستانها در اهواز، کرمان، مشهد، اراک، لرستان، یزد و ارومیه، در مقابل استانداری ها اجتماع کردند. پرستاران به عدم پرداخت حقوق و اضافه کاری اجباری و بدون حقوق اعتراض دارند. پرستاران معترض می گویند ساعت کار پرستاران را از ۱۶۰ ساعت در ماه به ۱۷۵ ساعت افزایش دادهاند و برای هر پرستار در ماه ۵۰ ساعت اضافه کاری اجباری و بدون مزد تعیین شده است. از خواستهای محوری پرستاران و کارکنان بیمارستانها، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، پرداخت به موقع و منظم حقوق ها، استخدام دائم و برچیده شدن شرکتهای پیمانکاری است. در مشهد نیروی انتظامی به تجمع اعتراضی پرستاران هجوم برد و تعدادی از معترضین را مورد ضرب و شتم قرار داد.

پرستاران در شهرهای مختلف خواستار حذف پیمانکاریها در وزارت بهداشت و درمان و انعقاد قرارداد رسمی با وزارت بهداشت و درمان شدند. از سال ۹۳ شرکتهای پیمانکاری وارد وزارت بهداشت و درمان شدند و از آن زمان قراردادهای پیمانی و شرکتی گسترش یافته است. شعارهای پرستاران از جمله؛ "نیروی شرکتی بهداشت = سنگساز بیسنگر"، "در اوج همهگیری، بدون امنیت شغلی و بدون پشتیبانی، سلامت خود را فدا کردیم"، "آیا این عدالت است"، "حذف شرکت های پیمانکاری"، "از طرح تحول تا خط مقدم کرونا"، "نه به تبعیض"، "نه به بی عدالتی"، "بالا ترین آزمون ما حضور در خط مقدم کرونا" و "تبدیل وضعیت استخدامی بدون آزمون" بود.

اجتماعات هماهنگ پرستاران نمونه دیگری از اعتراض رشته ای در استانهای مختلف است که سرعت در رشته های مختلف گسترش می یابد. کادر درمان و مشخصا پرستاران در دوره کرونا جزو فداکارترین بخش طبقه کارگر و مورد اعتماد و محبت عمیق مردم در همه جای دنیا بودند که تعدادی از آنها بدلیل ابتلا به کرونا جان باختند. جمهوری اسلامی اما پرستاران را مانند دیگر بخشهای اردوی کارکن به بردگی، فقر و کار اجباری محکوم و اعتراض شان را با تهدید و چماقداری جواب میدهد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از اعتراض برحق و اقدام بجا و بموقع پرستاران برای اعتراض هماهنگ و خواستهای آنها حمایت میکند.

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را

برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

اعلامیه حزب حکمتیست

## انفجار توده ای برای سرنگونی در لبنان

**"الشعب، یُريد، اسقاط النظام!"**

**"مرگ بر ظالمان، چه در بیروت چه تهران!"**

انفجار توده ای علیه حکومت لبنان واکنش طبیعی و قابل انتظار به انفجار انبار مواد شیمیایی در بیروت بود که بیش از ۱۳۸ کشته، صدها مفقود، ۵۰۰۰ مجروح و ۳۰۰ هزار بیخانمان بجا گذاشته است. تنها چند روز بعد از فاجعه بندر بیروت، روز شنبه هشتم اوت ده ها هزار نفر با شعار "سرنگونی نظام" و "انقلاب برای تغییر" به خیابانها آمدند. این اعتراضات ضد حکومتی ادامه خیزشها و اعتراضات وسیعی است که در اکتبر سال گذشته آغاز شد، در مارس امسال علیه فقر و گرسنگی مجدداً بمیدان آمد، اما محدودیت کرونا وقفه ای کوتاه در آن ایجاد کرد. انفجار هولناک در بندر بیروت چاشنی انفجار مجدد توده ای برای پایان دادن به حکومت توافقی و قومی - مذهبی در لبنان شد.

زنان نقش فعالی در سازماندهی و رهبری اعتراضات دارند. مردم عصبانی و فاجعه دیده به مراکز حکومت حمله کردند. طی تظاهراتهای دیروز و امروز چند وزارتخانه از جمله ساختمان وزارت خارجه، محیط زیست، اقتصاد و انرژی به تصرف تظاهرکنندگان درآمد. بعلاوه معترضان چند بانک و اداره دولتی و ساختمان مرکز امنیتی الجمیزه را تسخیر کردند. شعار انقلاب برای تغییر و "الشعب، یُريد، اسقاط النظام"، محوری ترین شعار تظاهراتها بود. "مرگ بر ظالمان، چه در بیروت چه تهران"، از دیگر شعارهای معترضان است.

شنبه شب دولت بدنبال اعتراض وسیع تظاهرکنندگان، ارتش را وارد عمل کرد. تانک و نفربر و نیروهای ضد شورش بسرعت در نقاط بیروت مستقر شدند و به درگیری با تظاهرات کنندگان پرداختند. درگیری ارتش با تظاهرکنندگان شدت گرفت. طی درگیریهای عصر شنبه دهها نفر زخمی شدند. امروز یکشنبه نهم اوت اعتراض و تظاهرات مردم بیروت ادامه یافت. درگیریها در بیروت ادامه دارد، نیروهای دولتی و ارتش تلاش دارند کنترل مجدد اوضاع را بدست بگیرند و مردم معترض تلاش دارند مراکز دولتی را به تسخیر خود دریاورند. تاکنون ۱۳۰ معترض در جریان اعتراضات روز یکشنبه در بیروت مجروح شدند که ۲۶ تن از آنان به بیمارستان انتقال یافتند.

مردم حکومت را مسئول انفجار و فاجعه هولناک بندر بیروت میدانند و خواهان رفتن کل حکومت از هر جناحی هستند. نهایتاً زیر فشار اعتراض، حسن دیاب نخست وزیر لبنان اعلام کرد که بزودی کنار میرود و تنها دو ماه دیگر مسئولیت دولت را برعهده خواهد داشت. دیاب وعده داد که عاملان و مسئولان حادثه انفجار بیروت به سزای اعمال خود خواهند رسید، انتخابات پارلمانی زود هنگام برای خروج از بحران فعلی برگزار میشود و طی دو ماه آتی برای توافق جریانهای سیاسی جهت پیدا کردن راه حلی برای خروج از بحران کنونی تلاش می کند. در تظاهرات دیروز شنبه و امروز یکشنبه ۸ و ۹ اوت، علیه حزب الله و میشل عون رئیس جمهور نیز شعار دادند.



یک جنبه دیگر تحولات لبنان تلاش دولتها برای تاثیر بر روند سیاسی جاری است. سفر امانوئل مکران رئیس جمهور فرانسه به لبنان، هماهنگی دولت آمریکا و متحدان اروپایی با فرانسه، بیانگر اینست که سیاست دول غربی در قبال اعتراضات توده ای، ادامه حمایت از دولت توافقی و قومی - مذهبی لبنان است. دولتهای غربی و فرانسه در قبال این بحران راهی جز تداوم وضع کنونی نهایتاً با تغییراتی صوری ندارند. مردم اما میخواهند کل این اوضاع تغییر کند، کل حکومت با همه جناح هایش برود، کل نظم و ساختار سیاسی کنونی سرنگون شود، حزب الله را بعنوان یک عامل سرکوب و حامی جمهوری اسلامی و سازمانده ترور و تحجر، همراه با دیگر جناح های مرتجع حکومت لبنان بزیور بکشند و جمهوری اسلامی را بیرون بیاورند. مردم خواهان نظامی سکولار و غیر قومی و غیر مذهبی، نظامی مبتنی بر حقوق برابر شهروندی و آزادی و برابری و رفاه همگان هستند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از خیزش توده ای و برحق مردم بیروت علیه حکومت توافقی و قومی - مذهبی و بورژوازی لبنان قاطعانه حمایت میکند. آغاز مجدد اعتراضات در عراق و لبنان و تقابل روشن و قاطع با جمهوری اسلامی، در مبارزه مردم ایران با جمهوری اسلامی تاثیر تعیین کننده دارد. مبارزه در این کشورها به هم وابسته اند و برهم تاثیر می گذارند. عقب راندن جمهوری اسلامی در هر سنگری به نیروی جدیدی برای مبارزه در سنگرهای دیگر، مقدمه ای برای رهائی مردم خارمیانه از جنبش تروریستی اسلامی، دیکتاتوری های بورژوازی و دولتهای مرتجع قومی - مذهبی می شود. زنده باد مبارزه و خیزش انقلابی و سرنگونی طلبانه کارگران و مردم آزادیخواه لبنان علیه حکومت ارتجاعی و علیه فقر و بیکاری. "الشعب، یُريد، اسقاط النظام!"

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۹ مرداد ۱۳۹۹ - ۹ اوت ۲۰۲۰



فراخوان داده اند.



**کمونیست هفتگی:** استعفای نخست وزیر و کنار رفتن دولت کنونی، آیا راهی برای سازش بین نیروهای هیئت حاکمه باز میکند؟ چرا؟

**فاتح شیخ:** به نظر نمیرسد میان عناصر

هیات حاکمه کنونی سازشی صورت گیرد. حزب الله که قدرت مرکزی حاکم را در دست خود قبضه کرده است، از سر ناگزیری به یک عقب نشینی تاکتیکی تن داده و بیگمان برای جبران آن تلاش خواهد کرد. در واقع حزب الله از چهار ستون خیمه سلطه جنایتکارانه اش یعنی: نیروی مسلح، میشل عون رئیس جمهور، اکثریت پارلمان به ریاست نبیه بری و حسن دیاب + کابینه، ناگزیر شد، ارزانتترین آنها را قربانی کند که حسن دیاب مزدور و کابینه بود. قصد دارد به قیمت آن و البته با تکیه به نیروی مسلح خود دیگر ستونهای خیمه قدرتش را نگاه دارد، همین ستون را هم با دادن امتیازاتی بازسازی کند. به علاوه حزب الله فعلا کنترل فرودگاه بیروت، بندرهای صیدا و صور و جغرافیای نفوذ سیاسی سکتی خود در جنوب لبنان را هم نگاه داشته است.

جدا از انفجار عظیم بندر بیروت که حزب الله با عناد آشکار مدعی است که در آن دخالت نداشته، دادگاه لاهه که سالهاست محاکمه متهمان به ترور رفیق حریری در فوریه ۲۰۰۵ را پیش میبرد، اخیرا اعلام کرده بود که روز هفت اوت رای خود را ارائه میکند اما به احترام قربانیان انفجار چهارم اوت بندر بیروت، روز ارائه رای را به هجدهم اوت تغییر داد. نظر به این فاکتورها عقب نشینی تاکتیکی برای حزب الله ناگزیر بود و البته پیامدهای بحران فعلی قطعا با این مانور محدود نخواهد شد. ماهها قبل از آن انفجار، مشخصا از هفته اکتبر ۲۰۱۹، در خیزش توده ای پرشکوه و دامنه داری که در بیروت و دیگر شهرهای لبنان برپا شده بود، محرومان اعماق جامعه و پیشاپیش آنها نسل جوان تحصیلکرده که داغ بیکاری بر زندگیشان زده اند، خواست "اسقاط نظام طائفی" را فریاد زده بودند که ستون اصلی آن حزب الله بود و شعار "کلش یعنی کلش" (همه یعنی همه) مکمل آن بود که پایین جامعه خواهان پایان دادن به نظام طائفی است. انفجار بیروت انرژی انفجاری انزجار و عصیان توده های بپاخاسته لبنان علیه کل هیات حاکمه را هزاران برابر کرده است. نه حزب الله و نه بقیه ترکیبات این نظام راه فراری ندارند. در عین حال راه سازشی هم به رویشان باز نیست چراکه پشت هر بخش از آنها قدرتهای جهانی و دولتهای رقیب منطقه جدال قدرت چندجانبه شان را در جغرافیای محدود اما حساس لبنان پیش میبرند. علاوه بر اینها باید تاکید کرد که هیچیک از این دارودسته ها و حامیانشان و کل مجموعه آنها پاسخ راهگشایی برای بحران مرکب کنونی لبنان ندارند که حول آن بتوانند به سازش برسند.

هدف مشترکشان بازسازی سرمایه داری چند لایه بحراندزه ای است که خود این دارودسته و حامیان جهانی و منطقه ای آنها طی سالها مشکلات آن را مضاعف و لاینحل کرده اند. جامعه لبنان نیاز به بازسازی سوسیالیستی دارد که قطعا برافکندن هیات حاکمه کنونی لبنان یکی از ملزومات حرکت در مسیر آن است. بحثی که بررسی آن به فرصت دیگر و مجال بیشتری فراتر از این گفتگو نیاز دارد.

## لبنان: ده روز اشک و خشم و عصیان

### تحولات لبنان و آینده آن، گفتگو با فاتح شیخ

**کمونیست هفتگی:** لبنان مجددا با انفجار توده ای برای سرنگونی نظام توافقی و قومی - مذهبی روبرو شده است. ارزیابی شما از این تحولات چیست؟

**فاتح شیخ:** ده روز است گفتن از لبنان بی اشک و خشم و حس درد عمیق ناممکن است. هنوز هم بیحد دشوار است. فرق است بین رزمندگان پیر و جوان که دلبرانه بیروت را میدان نبردهای بی امان کرده اند، با ناظران دورادور تراژدی انفجار بندر بیروت، ولو هر کس به میزان توانش شانه زیر بار این تراژدی سنگین داده و نگران آینده مبهم جامعه لبنان باشد.

"لبنانیزه شدن"! اصطلاحا بیان ناخوشایند تیره ترین سناریوی ویرانی یک جامعه و بدبختی شهروندان آن است. امروز لبنان لبنانیزه تر از همیشه است. در این اوضاع هیات حاکمه دشمن مردم، بر مردمی نارنجک اشک آور میباراند که خود اشکبار فاجعه انفجارند. انفجاری که محرومان جامعه را به نبرد آشتی ناپذیر تا برچیدن هیات حاکمه سرایا غارت و جنایت فراخوانده است. توده های فاجعه زده در اعتراضاتشان فریاد سر میدهند که انفجار خشم و انزجار آنها بسیار قویتر از انفجار چهار اوت بیروت خواهد بود. جوانان سینه عریان، حمله سرکوبگران را با حمله جواب میدهند. راکتهای تیس را سلاح مقابله با نارنجک اندازهای دشمن کرده اند. راکت در دستی و دستکش ضخیم در دست دیگر، نارنجکها را برمیگیرند و به صف شلیک کنندگان بازپرتاب میکنند.

این تصویر صحنه های نبرد لبنان است. جامعه سرشار از یک همیاری وسیع مردمی برای تنظیم مناطق خسارت دیده است، همزمان درگیر یک تلاش بیتابانه برای برچیدن کل هیات حاکمه سکتی و جایگزینی آن با نظام سیاسی سکولار، غیرطائفی و مبتنی بر حقوق شهروندی است. درقطب مقابل هم عناصر متخاصم هیات حاکمه با کمک حامیان جهانی و منطقه ای درگیر مدیریت بحران حاصل از انفجار در مسیر منافع سکتی آتی شان هستند. در کوتاه مدت خواه ناخواه مدیریت بحران بر اوضاع سایه میاندازد، دامنه تاثیر اعتراضات پایین جامعه بر پروسه تغییر هیات حاکمه را محدود میکند. با اینحال فشار اعتراضات توده ای شماری از وزیران را در همان روزهای اول پس از انفجار به کناره گیری کشاند و حسن دیاب را واداشت که دوشنبه نهم اوت استعفای کل کابینه را اعلام کند. توده های خشمگین استعفای حسن دیاب و کابینه را کافی ندانستند، سه شنبه در راهپیمایی هفتمین روز انفجار با شعارهای رسا و روشن خواهان استعفای میشل عون و پارلمان و پایان دادن به سلطه حزب الله و نفوذ رژیم اسلامی ایران در لبنان شدند. پنجشنبه سیزده اوت نشست پارلمان به ریاست نبیه بری نتوانست به نقش کابینه حسن دیاب در انفجار رسیدگی کند. در عوض مقررات برقراری "وضع فوق العاده" به مدت دو هفته تا ۲۸ اوت و سپردن مسئولیت "امنیت" به ارتش را تایید کرد. در واکنش به این تصمیمات پارلمان، فعالین اعتراضات یک تحرک اعتراضی را برای روز شنبه پانزدهم اوت

## لبنان: ده روز اشک و خشم و عصیان

تحولات لبنان و آینده آن، گفتگو با فاتح شیخ ...

**کمونست هفتگی:** نظر به خواست مردم برای سرنگونی کل نظام کنونی و اعتراضات اکتبر ۲۰۱۹ علیه فقر و بیکاری، خیزش گسترده کنونی و بحران شدید در دولت، آینده لبنان به کجا می‌رود؟

**فاتح شیخ:** "بحران شدید در دولت" بیان نارسایی است، خصلت نامی اوضاع کنونی لبنان و بحران امروز آن نیست. بحران جاری لبنان بسیار فراتر از بحران دولت آن است. نه تنها مرکب تر و چندجانبه تر است، به جغرافیای کشوری لبنان هم محدود نیست. کشمکش قدرتهای جهانی مشخصا تلاش مشترک فرانسه و آمریکا در برابر نفوذ رقبایشان به موازات جدال دولتهای منطقه مشخصا رژیم اسلامی ایران، عربستان، ترکیه و قطر برای ترسیم ترکیب سیاسی و سلطه مالی بانکی در جغرافیای "کشور" لبنان هم اکنون به جریان افتاده و با شتاب و ابعاد بیسابقه ادامه دارد.

پنجشنبه سیزده اوت دیوید هیل معاون وزیر خارجه آمریکا در بیروت بود و با رئیس جمهور میشل عون، رئیس پارلمان نبیه بری و نخست وزیر مستعفی حسن دیاب دیدار کرد. گرچه ماموریت مشخص او در این سفر تلاش میانجیگرانه میان لبنان و اسرائیل برای ترسیم مرز دریائی است، بیشک پیام دولت آمریکا درباره بحران کنونی را هم به آنها رسانده است. همان روز وزیر دفاع فرانسه برای یک سفر دو روزه وارد بیروت شد تا برنامه دولتش پیرامون این بحران را پیش ببرد. دولت فرانسه با همپیمانی دولت آمریکا فرمان تغییرات دوره آتی در هیات حاکمه لبنان را هم اکنون به دست گرفته اند. تردیدی نیست که رژیم اسلامی ایران هم یک بازیگر اصلی دیگر ترسیم آینده سیاسی لبنان است و دولتهای ترکیه و عربستان و قطر هم در این پروسه تاثیر مستقیم دارند.

در آخر این گفتگو لازم میدانم به ویژگی اقتصاد لبنان بر متن ژئوپلیتیک آن در خاورمیانه که دروازه پروسه مدیریت بحران کنونی از آن تاثیر میگیرد اشاره کنم:

شهرت موقعیت لبنان همچون "سویس خاورمیانه" و پایتخت آن بیروت همچون "ژنو خاورمیانه" به نظام بانکی لبنان و بانکهای عامل در بیروت برمیگردد. همچنانکه سویس و ژنو تاریخا مرکز بانکی مورد اعتماد سرمایه مالی جهانی و اروپایی بوده است، لبنان و بیروت هم مرکز بانکی سرمایه مالی کشورهای نفتی خاورمیانه و به میزان معینی هم سرمایه خارج این منطقه بوده است. این مکان اقتصادی ویژه لبنان و بیروت برای سرمایه مالی امروز به بورژوازی و دولتهای آمریکا و فرانسه و همچنین به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول (ای. ام. اف. IMF) امکان میدهد که زمام مدیریت بحران حاصل از انفجار بیروت و مشخصا پروسه بازسازی دوره کنونی را در لبنان به دست بگیرند. از این پس همه موسسات حاکمیت بورژوایی در لبنان ناگزیرند از این تابعیت مالی تبعیت کنند. این واقعیت زیربنایی "وضع موجود" (status quo) لبنان، مادام مناسبات سرمایه دارانه بر جامعه لبنان حاکم است، نه تنها حرف آخر را میزند بلکه متکلم اول و آخر نظام بانکی و



فعل و انفعالات اقتصاد آن جامعه است.

بورژوازی و خرده بورژوازی لبنان در موقعیت پیمانکار و ریزه خوار و زیردست سرمایه جهانی و همچنین سرمایه مالی عربستان و امارات و قطر، بخشی از سود حاصل از استثمار کار ارزان را در پروسه بازسازی دوره بعد از انفجار به جیب میزنند و شکرگزار خواهند بود. دسته جمعی هم در تلاشند تا طبقه کارگر را (اعم از محلی، مصری، سودانی و ...) در اجبار به تحمل موقعیت فروش کار ارزان و محرومیت از حقوق کارگری نگهدارند، لشکر گسترده بیکاران که اکثرا نسل جوان تحصیلکرده هستند را هم با هدف تضمین بازتولید موقعیت فرودست طبقه کارگر تا حد امکان گسترش دهند یا در سطح مطلوب حفظ کنند.

در این میان بیشترین سودبران شبکه های نوع پیمانکار پیرامون (buffer zone) حزب الله و آن قشر از خرده بورژوازی هستند که در اصطلاح جامعه شناسی آکادمیک بورژوایی زیر کاتگوری "نخبگان"، "الیت" و "طبقه متوسط" جامعه لبنان (اشخاصی مانند حسن دیاب) طبقه بندی میشوند.

تحولات لبنان بحرانزده به میزان زیادی با موقعیت منطقه ای رژیم اسلامی حاکم بر ایران ارتباط متقابل دارد و از این زاویه هم شایسته توجه فعالان کارگر و کمونست جامعه ایران خواهد بود. باید آن را با تیزبینی جانبدارانه پیگیری کرد.

۱۳/۸/۲۰۲۰

\*\*\*

## هراس از انقلاب، آستی با "شیطان بزرگ" ...

۴۲ سال جنایت رژیم اسلامی محاکمه خواهید شد. شما حق دارید هراس از انقلاب و آستی با "شیطان بزرگ" را که "چه جمهوری خواه چه دمکرات"، "چه با واسطه و چه بی واسطه" به عنوان راه نجات به برادران اصلاح طلب و اصولگرایت گوش زد کنید، ولی مردم در دیماه ۹۶ از هر دو جناح رژیم عبور کرده اند.

۱۳ اوت ۲۰۲۰

\*\*\*

## شبح کمونیسٹ بر فراز جامعہ در گشت و گذار است!

آذر ماجدی



ہزاران کمونیسٹ را به قتل رساند. از دیماه ۹۶ با آغاز خیزش توده ای و اوجگیری مبارزات کارگری از نقش کمونیسٹ ها در اعتراضات و اعتصابات سخن گفت. رهبران کارگری را بجرم همکاری با کمونیسٹ ها اسیر و شکنجه کرد. و اکنون مبارزات قهرمانانہ کارگران هفت تپہ را به کمونیسٹ ها نسبت می دهد. چرا هر گاه مردم برای

خواست های برحق خویش، علیہ بی عدالتی، علیہ سرکوب و اختناق، علیہ فقر و نابرابری بمیدان می آیند و رژیم را به مصاف می کشند رژیم یاد کمونیسٹ ها می افتد؟ چرا هر گاه کارگران برای خواست هایشان دست به اعتصاب می زنند؟ هر گاه علیہ فقر و نابرابری اعتراض می کنند؟ خواهان ایجاد تشکل و شورا می شوند رژیم به کمونیسٹ ها بد و بیراه می گوید؟

### تاکتیک دولہ

کمونیسٹ با آزادیخواہی، برابری طلبی، رفاه و عدالت مترادف است. در اذهان مردم، در اذهان جامعہ و در اذهان این دایناسورهای از گور برخاستہ حق طلبی، آزادیخواہی و مبارزہ برای عدالت با کمونیسٹ تداعی می شود. به این دلیل است کہ هر گاه موج اعتراض جامعہ را فرا می گیرد، آنها به شکار کمونیسٹ ها بلند می شوند. چپ و راست هر معترضی را به کمونیسٹ ها وابستہ می خوانند.

چهل سال دروغ و خرافہ و کشتار نتوانست خیال آنها را از بابت کمونیسٹ ها راحت کند. سرمایہ دار از کمونیسٹ می ترسد و متنفر است؛ برای اینکه می داند کمونیسٹ بزرگترین و قاطع ترین دشمن اوست. رژیم دزد و اپوزیسیون دست راستی در یک چیز مشترکند، نفرت و هراس از کمونیسٹ. رژیم در داخل کشور هر اعتراض حق طلبانہ را به کمونیسٹ منتسب می کند و معترض را "باتهام" رابطہ با کمونیسٹ ها به زندان می اندازد و شکنجه می کند. هواداران رژیم سابق و سلطنت در خارج کشور شعار "مرگ بر کمونیسٹ" سر می دهند. با این کار هر دو به یک حقیقت اعتراف می کنند کمونیسٹ یعنی آزادی، کمونیسٹ یعنی برابری، کمونیسٹ یعنی رفاه. رهایی از فقر و بندگی، از سرکوب و اختناق، از نابرابری و بی عدالتی در گرو سرنگونی سرمایہ داری و ایجاد یک جامعہ کمونیسٹی است.

نماینده ولی فقیہ و نماینده مجلس از نفوذ و حضور کمونیسٹ می نالند و هشدار می دهند؛ کاربدستان در تلویزیون رژیم از خطر انقلاب کارگری، این شعار ہمیشگی و دائمی کمونیسٹ های کارگری حکمتی، سخن می گویند، زیرا به نفوذ کمونیسٹ انقلابی کارگری در جامعہ واقفند و از عروج آن بشدت هراسان. این جنایتکاران لقب کمونیسٹ را به دو دلیل استفاده می کنند؛ یکی ارباب کارگران و مردم معترض کہ اگر کوتاه نیابند اسیر و شکنجه و اعدام خواهند شد؛ دوم به ہمپالکی هایشان هشدار می دهند کہ اگر چاره ای نیابندیشند نہ از باغ نشانی می ماند و نہ از باغستان.

اما این تاکتیک بزودی به ضد خود بدل خواهد شد. بعلت وجود اختناق شدید، هیچکس نمی داند چند کارگر خود را کمونیسٹ یا به کمونیسٹ ها نزدیک می دانند. هیچکس از چند و چون نزدیکی

اعتصاب شصت روزه کارگران هفت تپہ رژیم اسلامی را با یک معضل جدی روبرو ساخته است. کلیہ تمہیدات و توطئه های آن افشاء و خثی شده است. تمہیداتش بی ثمر بوده است. علیرغم فشارهای توانفرسای اقتصادی، تلاش های سرکوبگرانه دولت، گرمای طاقت فرسا و تمہید کرونا کارگران هفت تپہ مدت شصت روز است کہ در اعتصاب بسر می برند؛ در شهر تجمع می کنند؛ کودکانشان در اعتصاب به آنها پیوستہ اند. اتحاد و ہمبستگی شان محکم تر شده است. مجامع عمومی شان زیانزد خاص و عام است.

طی این دورہ سخت و پرافتخار کارگران بر خواست هایشان پای فشرده اند: لغو خصوصی سازی در هفت تپہ، مالکیت دولتی با نظارت کارگران، پرداخت حقوق معوقہ، تمدید دفترچہ های بیمہ و بازگشت کارگران اخراجی به کار. شصت روز است کہ هر روز در گرمای ۵۰ درجہ در جلوی فرمانداری تجمع می کنند و بر این خواست ها پای می فشارند؛ و توطئه ها و کلک های دولت را افشاء می کنند.

رژیم از هر دری وارد می شود، کارگران دستش را می خوانند و در مجامع عمومی پاسخ دندان شکن می دهند. دستگیری نمایندگان کارگری با اعتراض گسترده کارگران روبرو شد و رژیم مجبور به آزادی آنها گردید. مزدورانش را به میان کارگران فرستاد تا با ایجاد تفرقه صفوف بهم فشرده کارگران را بشکند؛ کارگران این مزدوران را افشاء و از صفوف خود طرد نمودند. کوشید با شعارهای انحرافی فضا را برای سرکوب مہیا کند؛ کارگران شعارها را افشاء و متوقف کردند. باصطلاح نمایندگان مجلس را به اجتماع کارگران مقابل فرمانداری شوش ارسال کرد؛ کارگران آنها را سکہ یک پول کرده و به خانه شان پس فرستادند. یک ماه حقوق داد و گفت بقیہ را ہم تا ۱۰ مرداد پرداخت می کند تا باین ترتیب اعتصاب و اتحاد را بشکند؛ کارگران اعلام کردند تا تحقق تمام خواست هایشان به اعتصاب و تجمع ادامه خواهند داد. و بالاخرہ "نماینده رهبر" را با سلام و صلوات و چند آخوند به میان کارگران اعزام کرد. این دزد جنایتکار کوشید با تملق و شیرین زبانی و دروغ و فریب کارگران را قانع کند کہ رهبر با آنهاست و از آنها دفاع می کند؛ کارگران چنان جواب دندان شکنی به او دادند کہ مجبور شد به سلاح ہمیشگی ارباب متوسل شود؛ گفت: "کمونیسٹ دارد سوار هفت تپہ می شود!"

اعتصاب و مبارزہ چند ہزار کارگر هفت تپہ هراس مرگ را به قلب رژیم انداختہ است. از هر سو آژیر خطر کمونیسٹ و کمونیسٹ ها و انقلاب کارگری بصدا در آمدہ است. نادری نماینده مجلس هشدار دادہ است: "کارگران هفت تپہ دارن کمونیسٹ می شن!" موسوی نماینده خامنہ ای در مجمع عمومی هفت تپہ می گوید: "کمونیسٹ دارد سوار هفت تپہ می شود!" و یکی از کار بدستان رژیم و سرمایہ دارهای کلان در تلویزیون با ترس و نگرانی از خطر "انقلاب کارگری" سخن گفت.

جمهوری اسلامی از روز اول برای کمونیسٹ ها شاخ و شانہ کشید.

## شبح کمونیسم بر فراز جامعه در گشت و گذار است ...

معترضین به کمونیسم اطلاعی ندارد. این معترضین ممکن است کمونیست باشند یا نباشند؛ ممکن است کمونیسم را بدستی بشناسند یا نشناسند. آنها برای یک زندگی عادلانه تر و انسانی تر، برای یک دنیای بهتر و آزادتر مبارزه می کنند. اما دور نخواهد بود که این تاکتیک رژیم برای ارباب جای خود را به نزدیکی واقعی اکثریت جامعه فقر زده و سرکوب شده به کمونیسم خواهد داد.

یک حساب دو دو تا چهار تا در ذهن هر انسانی با هر میزان از آگاهی و شناخت، حتی در ذهن کودکان کارگران کمونیسم را به یک کلام خوش آهنگ و نوید بخش بدل می کند. با خود خواهند اندیشید: اگر رژیم اسلامی این چنین از کمونیسم در هراس است و هر حرکت اعتراضی و حق طلبانه مهر کمونیسم می خورد، "پس کمونیسم چیز خوبیست." پس کمونیست ها انسان هایی شریف و آزادیخواه و برابری طلب هستند. پس رهایی جامعه در گرو تفوق کمونیسم است.

و اینجاست که این تاکتیک علیه خود رژیم خواهد چرخید. این تهدیدات و این روش ارباب فقط و فقط موجب گسترش نفوذ کمونیسم در جامعه خواهد شد. کارگر هفت تپه در مقابل امام جمعه که با تهدید می گوید: "کمونیسم دارد سوار هفت تپه می شود" باید اعتراض کند. زیرا خوب درک می کند که این مقدمه ای برای دستگیری و سرکوب است. باید از موجودیت خود و تحقق خواست هایش دفاع کند. اما این امام جمعه ای که کارگر را "حقیر و ناآگاه" می داند به این نمی اندیشد که با این تهدید او فقط کمونیسم را نزد ناآگاه ترین کارگر هم به یک پدیده مثبت و مطلوب بدل می کند.

مردم از این رژیم منزجرند. از تک تک این جنایتکاران و دزدان بیزارند. از دین و ایدئولوژی متنفردند. هر چه را این دار و دسته دزد و جنایتکار بد و نامقدس و خطرناک بخوانند نزد مردم بعکس خود بدل خواهد شد. این واقعیت امروز جامعه است. ترس و هراس اینها و رقیبان خارج کشوری شان از کمونیسم و انقلاب کارگری واقعی است. این افق کاملا در مقابل جامعه قرار دارد. روزنه ای بسوی این آینده دلپذیر باز شده است.

با پشتیبانی و حمایت قاطعانه از مبارزات طبقه کارگر و اعتصابات عظیم کارگری در جامعه، از مبارزات مردم معترض، با مبارزه بی امان برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی، با مبارزه برای فائق آمدن بر سکتاریسم و تقویت همبستگی انقلابی کمونیستی این افق را متحقق کنیم.

### اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

#### در حمایت از اعتراضات مردم شهرهای کردستان عراق

از دیروز موجی از اعتراضات و تجمعات اعتراضی به اوضاعی که احزاب حاکم بر مردم کردستان تحمیل کرده اند، اکثر شهرهای کردستان عراق را در بر گرفته است. هزاران نفر با برگزاری تجمع و راهپیمایی، خیابان های این شهرها را به تصرف خود در آورده اند و با شعارهای کوبنده و پلاکاردها خواستار برکناری حکومت اقلیم کردستان شده، سخنرانی های آتشینی علیه حاکمان ارائه شده و از این حکومت خواسته اند بساطش را جمع و دست از سر زندگی مردم بردارند. در بعضی از شهرها از جمله اربیل و دهوک نیروهای امنیتی با ضرب و شتم معترضین و تهدید آنها مانع ایجاد کرده اند.

البته این اولین بار نیست که در کردستان تجمعات و اعتراضات خیابانی برگزار میشود بارها و بارها بخصوص همزمان با مبارزات مردم در خاورمیانه و شاخ آفریقا که منجر به سرنگونی تعدادی از دیکتاتوری ها در منطقه گردید، مردم کردستان عراق هم بمیدان آمدند اما متأسفانه جنبش گوران که آن وقت ها در اپوزیسیون بود توانست با توهمی که ایجاد کرد مسیر این اعتراضات را به بیراهه ببرد. اما دیروز مردم علیه کل این دستگاه فاسد که جنبش گوران هم در آن شریک است شعار میدادند.

زرف چند سال گذشته علاوه بر بیکاری کارگران، هرچند ماه یکبار آن هم درصد کمی از حقوق کارمندان و معلمین و نیروهای پیشمرگ و بازنشستگان را پرداخت کرده اند. در مجموع شاید کمتر از ۳۰ درصد حقوق ها، آنهم با تاخیر پرداخت نموده اند. در کردستان عراق از یکطرف ثروت و سامان زیادی در دست احزاب حاکم و سرمایه داران انباشت شده و از طرفی دیگر میلیون ها نفر در فقر و بیکاری بسر میبرند. فاصله طبقاتی فراوان و فساد اداری و چپاول حاکمان کاری کرده است که مردم در خیابان ها علنا این حاکمیت را به مصاف طلبیده اند. مردم زیر بار زندگی سخت و مشقت بار قرار گرفته اند. رقابت و اختلاف دو حزب حاکم برای چپاول و سهم بیشتر و همچنین اختلافی که حکومت اقلیم با حکومت مرکزی برسر درآمدهای حاصل از نفت و گمرکات فشار را هر روز بر مردم بیشتر کرده است. طی سی سال گذشته مردم متوهم به ناسیونالیسم ماهیت این احزاب را شناخته و این در خیابان ها جار می زنند. برای رهایی از چنین وضعی باید مردم معترض و بجان آمده متحد و متشکل شوند.

کمونیست ها و آزادیخواهان باید برای سازماندهی توده های محروم دست بکار شوند. تجربه برای چندمین بار نشان داد که بدون دخالت خود مردم زحمتکش در شوراها و نهادهای مردمی و دخالت کمونیستها هیچ راه دیگری نیست. احزاب ناسیونالیست حاکم بار دیگر نشان دادند که هیچ ربطی به منافع مردم کردستان ندارند. باید توهنات ضد مردمی ناسیونالیسم را بدور انداخت.

کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن محکوم کردن ضرب و شتم نیروهای امنیتی علیه تظاهرکنندگان از اعتراض و مطالبات برحق مردم کردستان عراق و فعالیت کمونیست ها حمایت میکند.

#### کمیته کردستان حزب حکمتیست

۱۳ اگوست ۲۰۲۰

سیاست پیش فروش نفت به مردم

۱۳ اوت ۲۰۲۰



## هراس از انقلاب، آشتی با "شیطان بزرگ"

جمال کمانگر

سعید حجاریان در یادداشتی به تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۹۹ در روزنامه شرق، نقشه راهی را برای خروج از بن بست اصلاحات درون حکومتی ارائه داده است. در این یادداشت نکاتی را به عنوان راه برون رفت از این وضعیت برشمرد. صرف نظر از اینکه چقدر این "تزه‌های" حجاریان در این دوران ملتهب می‌تواند به بقای رژیم اسلامی کمک کند یا نه، اما نیازمند نقد و افشاست. حجاریان تیتیر مطلبش را عیناً از جزوه کوتاه زنده یاد امیر پرویز پویان تحت عنوان "خشم گین از امیربالیسم ترسان از انقلاب" که در نقد جلال آل احمد بود انتخاب کرده است. اینکه حجاریان به عنوان یک خرده بورژوا که در سودای اصلاحات و قدرت‌گیری طبقه متوسط مورد نظرش در ایران بوده و هست چرا از این جزوه و این تیتیر را انتخاب کرده است به خودش مربوط است اما بطور واقعی هراسش از انقلاب را در آشتی با "شیطان بزرگ" در این یادداشت به نمایش گذاشته است. و میتوان گفت که ایشان مورد نقد همان جزوه زنده یاد امیر پرویز پویان است!

حجاریان یا خود را به کوچه علی‌چپ میزند یا تازه متوجه شده است که سیاست خارجی و داخلی با هم دیگر رابطه تنگاتنگی بویژه برای رژیم اسلامی دارند! ایشان اذعان دارد که "در سال‌های گذشته، از سر تغافل یا شاید خوش‌بینی" متوجه این ارتباط ارگانیک نشده است! این ایدئولوگ جناح خوش‌خیم رژیم اسلامی بهتر است فکری به حال خود و همفکرانش بکند که کمتر اغفال شوند! ما بارها اعلام کرده ایم که هیچ نوع ثبات نسبی سیاسی و یک تعادل ماندگارتر اجتماعی، بدون یک گشایش اقتصادی اساسی در ایران ممکن نیست. چنین افقی تا زمانی رژیم اسلامی برسر کار است در چشم انداز نیست. خاورمیانه از نظر ایدئولوژیکی، سیاسی، فرهنگی بالاتکلیف‌ترین منطقه جهان است. سرمایه‌صنعتی در قرن بیست و یکم که بازارهای ارزان‌تر و باثبات‌تر و پرسودتری از ایران و کل خاورمیانه وجود دارد به این بشکه باروت نقل مکان نخواهد کرد. رژیم اسلامی خود بخشی از صورت مساله عقب‌ماندگی و مانع اصلی توسعه و رشد اقتصادی در ایران است. این مسئله شامل هر دو جناح رژیم میشود.

حجاریان برای اینکه فوتی در جنازه اصلاح طلبی اسلامی بکند باید با چند مقوله تعیین تکلیف کند و زمین بازی را آنطور بچیند که به تزه‌های مشعشع اش کمک کند. ایشان چهار متغییر تاثیر گذار "داخل"، "خارج"، "مذاکره" و "جنگ" را بر می‌شمرد.

تا آنجا که به داخل بر میگردد اعتراضات بر حق و گسترده دیماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ را "هرج و مرج" مینامد. اعتراضاتی که رژیم را در چند قدمی سرنگونی قرار داد و با کشتار و زندانی کردن هزاران نفر از مردم معترض، وحشیانه سرکوب شد. حجاریان در مقابل کشتار آزادیخواهان دیماه و آبانماه سکوت اختیار کرد. لابد چون "هرج و مرج" بود رژیم محق بود هزاران نفر را وحشیانه بکشد. هراس

حجاریان نه از "انقلاب مخملی" بلکه از انقلاب کلاسیک است و دور خودش و رژیم جنایتکار اسلامی فوت میکند که "بعید و غیر ممکن است" که در ایران اتفاق بیفتد! اما حجاریان قبلاً گفته بود که "کف گیر به ته دیگ خورده است". حجاریان با گذشته امنیتی که دارد بعید است از گزارشهای مختلف و هراس از قیام مردم کارگر و زحمتکش علیه رژیم



بی‌خبر باشد. ایشان خیلی صریح خواهان اتحاد با آن بخش از اپوزیسیون رژیم در خارج کشور است که "فارغ از عقاید سیاسی شان، روی مفهوم وطن و حراست" از آن با همپالیگی‌های وی در داخل توافق دارند. قبلاً اردشیر زاهدی آخرین وزیر خارجه نظام سلطنتی و داماد شاه سابق در رسای قاسم سلیمانی جنایتکار در بی‌بی‌سی حرف زده بود و به عنوان "سرباز وطن" از وی تجلیل کرد و رضا پهلوی هم سکوت اختیار کرد و بطور ضمنی در عزای این جنایتکار با حجاریان، صادق زیبا کلام و خامنه‌ای و فرخ نگهدار و بهنود و بی‌بی‌سی هم آوا شد. آیا لایف مشترک مصطفی تاج زاده با چهره بدنامی مثل فرخ نگهدار پادوی رژیم در خارج کشور در اینستاگرام توسط "انصاف نیوز" اولین میوه این تزه‌های حجاریان است؟

وی در ادامه این یادداشت دوباره بر سیاست ارتجاعی "نه انقلاب، نه اصلاحات" تاکید دارد. اما تکرار این شعار البته به معنی پاسیفیسم نیست! او در همان حال آب سردی روی اعتراضات پرشور طبقه کارگر همین امروز و مردم علی‌العموم می‌ریزد. انگار مردم در ۴۲ سال اخیر منتظر "جامعه مدنی اسلامی" مد نظر ایشان برای ابراز اعتراضاتشان علیه رژیم بوده‌اند. مردم از روز اول با اصلاحات و بدون اصلاحات در سنگرهای مختلف کار و زندگی علیه رژیم اسلامی جنگیده‌اند. این جنگ تا سرنگونی رژیم اسلامی ادامه پیدا خواهد کرد. او در ادامه مینویسد "جامعه مدنی ضعیف و مردم فرسوده شده‌اند و اساساً میل به خروج از منزل از بین رفته است چه رسد به خروج از حاکمیت!". ممکن است حجاریان خودش به دلایل فیزیکی امکان خروج از منزل را نداشته باشد اما اگر از پنجره اتاقش نگاهی به بیرون ببیند حتما صدای رسای کارگران اعتصابی هفته تیه که قهرمانانه بیش از ۶۰ روز است در دمای بالای ۴۵ درجه خوزستان همراه با خانواده‌هایشان با دانستن خطر ویروس کرونا در مقابل فرمانداری و سطح شهر علیه سرمایه‌داران و دولتشان در حال اعتصاب و شعار میدهند. یکی پس از دیگری روی چهار پایه میروند و علیه وضع موجود سخنرانی میکنند و خواهان پرداخت حقوق معوقه و خلع‌ید از اسد بیگی و شرکا هستند.

حجاریان اگر کمی دورتر نگاه کنید صدای اعتصاب صنایع نفت و گاز و پتروشیمی‌ها و بازنشستگان و دهها اعتراض کوچک و بزرگ دیگر کارگری را خواهید شنید. جمهوری اسلامی رژیم شما اصلاح طلبان شکست خورده است و در بقایش منفعت دارید اما خوب می‌دانید اگر فقط یک روز ابزارهای سرکوب و کشتار و زندان را کنار بگذارید یکی از خانه‌های ویلایی تان همان مردمی که شما فکر میکنید "فرسوده" شده‌اند بیرونتان خواهند کشید و در دادگاههای مردمی به جرم مشارکت در

## اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی

سعید یگانه

وضعیت اقتصادی دولت جمهوری اسلامی آنچنان بحرانی و درب داغان است که فروپاشی تمام و کمال اقتصاد بورژوازی ایران بزودی دور از انتظار نیست و به این دلیل هر سیاست اقتصادی دولت برای کاهش بحران اقتصادی و سرپا نگهداشتن خود، به سرعت ناکارآمد و بی تاثیر و به سنگ خواهند خورد. علاوه بر این انزوای بین المللی و تحریمها، رژیم جمهوری اسلامی را هرچه بیشتر با بحران و فلج اقتصادی روبرو کرده است. به این دلیل دولت روحانی آخرین تیر را رها کرده، بامید اینکه گشایشی در اقتصاد ورشکسته و به گل نشسته جمهوری اسلامی پدید آید، به پیش فروش نفت "آنهم به مردم" روی آورده اند. واعظی رئیس دفتر دولت روحانی دیروز چهارشنبه در حاشیه جلسه دولت زمانی که تصمیم گرفتند نفت را به مردم پیش فروش کنند، گفت که "مردم از دولت نفت بخرند و یک کشتی کوچک هم اجاره کنند و آن را صادر کنند!" به کجا؟ "جای نگرانی نیست" قرار است دولت بزودی راه حل آن را نیز به خریداران ارائه دهد. این تصمیم مهم دیروز جلسه دولت روحانی به دلیل کسری بودجه سال ۹۹ است که در رسانه ها بازتاب یافت. واقعا ببینید دولت جمهوری اسلامی به چه روزی افتاده است. با این همه هارت و پوت و ادعا کارش به کجا کشیده شده است که می خواهد از طریق مردم نفت را به خارج صادر کند تا کسری بودجه اش را تامین کند!

بعد از فروش اموال "دولت" یعنی اموال عمومی، در قالب "سهام عدالت" دولت روحانی در آخرین تلاش خود برای تامین کسری بودجه سال ۹۹ که بالغ بر ۶۰ درصد است، روز چهارشنبه در جلسه دولت تصمیم به پیش فروش نفت آنهم به مردم در داخل کشور گرفته است. خصوصی سازی، فروش سهام عدالت به رژیم کمکی نکرد، الان به پیش فروش نفت پناه آورده اند. در خبر دیگری بیژن زنگنه وزیر نفت گفته است که به غیر از پیش فروش نفت، سهام پالایشگاهها نیز به فروش می رسد. و جالب است که محمود واعظی رئیس دفتر روحانی در حاشیه نشست دولت مردم را به پیش فروش خرید نفت تشویق کرده و گفته است که "به اندازه توان خود از یک تا صد هزار بشکه نفت بخرند" و مطمئن باشند که سود آن از سود بانک کمتر نیست. این جالب است که در ادامه گفته است که "هر کس می تواند مثلا با خرید ۵۰ تا ۶۰ هزار بشکه نفت یک کشتی کوچک هم اجاره کند و آن را صادر کند."

در کنار بحرانهای سیاسی و هویتی، اقتصاد درب و داغان رژیم و سرمایه داری ایران، جامعه ایران را با تنگناهای متعددی از جمله فقر و فلاکت روز افزون روبرو کرده است و کوچکترین بهبودی در اوضاع اقتصادی به چشم نمی خورد. ما به ازای این شرایط بحرانی تکانههای سیاسی و اجتماعی و گسترش اعتراضات توده ای و اعتراض و اعتصاب کارگری که تقریبا پهنه جامعه ایران را در بر گرفته است. در دو ماه گذشته اعتراض و اعتصاب شکوهمند کارگران نیشکر هفت تپه و

به تازگی شروع اعتصابات کارگری در بخشهای حیاتی صنعت از جمله نفت و پتروشیمی و گاز و برق بحران رژیم و سرمایه داری ایران را تشدید کرده و آتش جان رژیم اسلامی شده است.

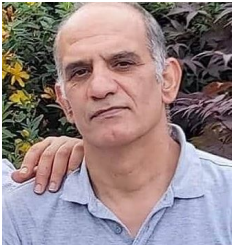
رژیم جمهوری اسلامی ترس از گسترش اعتراضات کارگری به روی خود نمی آورد که هم اکنون هزاران کارگر در هفت تپه و هیکو، نفت و گاز و پتروشیمی در اعتصابند و جرئت نمی کنند با آن روبرو شوند. به روزنامه ها از جمله ایلنا دستور داده اند که خبرهای کارگری و اعتصابات کارگری را بازتاب ندهند. روزنامه صنعت را فقط به دلیل پخش آمار واقعی تلفات انسانی ناشی از ویروس کرونا بستند. خلاصه جمهوری اسلامی در محاصره اعتراض و نفرت عمومی قرار گرفته و با گسترش اعتراض و اعتصابات کارگری بیشتر در تنگنا قرار گرفته است و به این دلیل روشن پشت سر هم حکم اعدام صادر میکنند. ماشین سرکوب را فعال کرده اند و تهدید می کنند به امید اینکه مردم را مرعوب کنند. اما واقعیت نشان داده است که سیاست سرکوب هم چندان کارایی ندارد و جامعه هر روز بیشتر به اعتراض مبارزه کشیده می شود.

علاوه بر این رژیم اسلامی در منطقه، در عراق، لبنان، سوریه هر روز بیشتر زیر پایش خالی می شود. در عراق یک هفته پیش مقر حزب اله را برای چندمین بار به آتش کشیدند. در لبنان حسن نصراله را سکه پول کردند. جمهوری اسلامی به آخر خط رسیده است. بنده که سهل است، خدایان هم به دادشان نمی رسد. هر روز که میگذرد مردم بیشتر به این باور می رسند که جز سرنگونی تمام و کمال رژیم اسلامی انتخابی دیگر در مقابلشان قرار ندارد.

۱۳ آوگوست ۲۰۲۰



خوابانیدند."



و این روزنامه اختر یعنی منبع اصلی مقاله، در زمان خودش "نشریه ای مترقی بود که نقشی بزرگ در بیداری ایرانیان داخل و خارج کشور داشت."

ملاحظه می کنید عناصر طبقات بالادست اعم از در قدرت یا اپوزیسیون، مرتجع یا مترقی، مستبد یا مشروطه چی از خواباندن آتش کمونیزم در پاریس یعنی کشتار سبعانه سی هزار کارگر ظرف یک هفته احساس امنیت می کرده اند. تا همینجا آشکار است که کمونیزم جنبشی است برای محو و منقرض کردن جمهوری بورژوازی. اما مگر کموناردها در آن دو ماه عمر کوتاه خود چه کردند که بنیاد جمهوری بورژوازی در معرض محو و منقرض شدن قرار گرفت.

دانستن این نکته هم برای کارگر عزیز هفت تپه جالب است. برای اولین بار حکومتی برپا شد که از اقتدار خود برای از بین بردن نابرابریهای اجتماعی استفاده کرد. مزد همه کارکنان دولتی برابر با مزد کارگر اعلام گردید. فرمان تقلیل ساعات کار روزانه به هشت ساعت صادر شد. کار سخت شبانه کارگران نانوائی ممنوع اعلام شد، جریمه کارگران توسط کارفرمایان - که امری رایج بود- لغو شد. کارگاههایی که رها شده بودند در اختیار کارگران قرار گرفت تا با تعاون و همکاری و همیاری خودشان راه اندازی شوند. پرداخت کرایه های به تعویق افتاده از اکتبر ۱۸۷۰ تا آوریل ۱۸۷۱ لغو شد. این موضوع مهمی برای مردم تهیدست پاریس و خرده بورژوازی فقیر بود. موسسات گروگیری اموال پرچیده شد. در موزه ها برای نخستین بار بطور مجانی بروی عموم باز شد. آزادی نشر و بیان گسترده شد. آموزش رایگان اعلان شد و کمیسیونی برای آموزش زنان تعیین شد. و اولین «آموزشگاه حرفه ای دختران» در ششم ماه مه افتتاح گردید.

آیا میان کارهایی که کمون انجام داد و اهدافی که کارگران ایران و هفت تپه ای ها قصد تحقق آن را دارند شباهت تام و تمام تا مرز یگانگی دیده نمی شود؟ آیا عجیب است اگر کمونیزم به مثابه جنبشی برای محو و منقرض ساختن بساط استثمار و مفتخوری، نفرت کل بورژوازی در کل جهان را برانگیزد؟ و آیا طبقه کارگر نیز طبقه ای جهانی نیست با آمل و ارزوهای یکسان؟

اگر چنین است پس فریب شعار "جانم فدای ایران" اعم از ایران اسلامی، شاهنشاهی یا جمهوری را نخوریم. زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران! زنده باد سوسیالیسم!

۱۳ اوت ۲۰۲۰

## خصومت تاریخی بورژوازی با کمونیزم

جاوید حکیمی

"کجاست آن حزب اپوزیسیونی که مخالفینش، که بر مسند قدرت نشسته اند نام کمونیستی بر آن نگذارند؟ کجاست آن حزب اپوزیسیونی که بنوبه خود داغ اتهام کمونیسم را خواه بر پیشگام ترین عناصر اپوزیسیون و خواه بر مخالفین مرتجع خویش نزنند؟" منافیست کمونیست

این روزها صدر تا ذیل مقامات لشکری و کشوری حکومت اسلامی از مسئول تام الاختیار سازمان خصوصی سازی گرفته تا نماینده حراف و بی اختیار مجلس، از ولی امر کل مسلمین جهان تا امام جمعه شهر بی صاحب اهواز، جملگی نسبت به خطر کمونیزم به مثابه اندیشه ای بیگانه و نفوذ عناصر کمونیست در قالب دشمنان ایران، هشدار می دهند. این انگ و اتهام زدن ها البته از یک سو به خاطر مقابله با مطالبه بازگشت به کار کارگران اخراجی و از سوی دیگر نوعی تهدید و رجزخوانی برای رهبران اعتصاب کنونی است. لیکن ابراهیم عباسی این نماینده شجاع و سلحشور کارگران همانجا و در میدان، پاسخ این رجزخوانی ها را داد و خطاب به امام روزهای تعطیل گفت شما این اتهامات را به اسماعیل بخشی و محمد خنیفر زدید. فردا همین انگ را به من هم خواهید زد.

از اینها که بگذریم سوال اینجاست چرا دولت، به کارگر و اعتراض کارگری که می رسد بلافاصله خطر کمونیزم را احساس می کند و انگ کمونیست بودن را به رهبران کارگری می زند. چرا اینجا دیگر نشانی از مجاهد، سلطنت طلب، جمهوری خواه و سکولار-دمکرات ها را مشاهده نمی کند. یک کارگر هفت تپه گفته بود ما که جز مبارزه برای احقاق حقوق پایمال شده امان کار دیگری نکرده ایم و حرف عجیب و غریبی نکرده ایم. پس چرا به ما می گویند کمونیست و با طعنه و کنایه پرسیده بود اصلا این کمونیزم یعنی چه؟

شاید برای کارگر هفت تپه عزیز و زحمتکش ما دانستن این نکته جالب باشد که خصومت کارفرمایان و دولت حامی آنان با کارگران و با کمونیزم، مرزهای ملی را در می نوردد و به قیامی در آن سوی خاک پاک و مرز پر گهر می رسد؛ کمون پاریس.

صد و چهل سال پیش، مارس ۱۸۸۰ یعنی نه سال پس از قیام کمون پاریس و به خاک و خون کشیده شدن کموناردها، روزنامه ایران به نقل از نشریه اختر چاپ استانبول در مقاله ای راجع به آن قیام و سرنوشت کمونیست ها می نویسد:

"یک وقت در اثنای محاربه پروس و فرانسه اصحاب این اعتقاد که به نام کومونی (انترناسیونال) شهرت یافته بودند نزدیک بود دولت فرانسه را محو و منقرض نمایند ولی طرفداران جمهوریت پس از اعلان حکومت جمهوری، سعی ها و جانفشانی ها نموده و این آتش را

**اعدام قتل عمد دولتی است!**

**یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکنی برای تمام افراد آماده به کار!**



است. این حقیقت آنقدر روشن بود که بندریج سران حکومت یکی بعد از دیگری از "خطر" شورش سی میلیون گرسنه، از امکان انقلاب کارگری، از وحشت سرنگونی و "بدریا ریخته شدن" و "اعدام سران حکومت" سخن گفتند.

### اعتصابات همزمان کارگری

در این وضعیت شدت بحرانی و پیچیده و ناپایدار، عروج مجدد کارگر در صحنه سیاسی و دور جدید اعتصابات کارگری در مراکز مهم صنعتی ایران تحولی بسیار مهم و در نوع خود بی نظیر است. بیش از ۳۵ مرکز مهم زیر مجموعه نفت و گاز و پالایشگاه‌های پتروشیمی بدنبال اعتصاب کارگران شهرداریها، کارگران اتوبوسرانی، کاشی سازی، هپکو، اعتصاب همزمان پرستاران در چند استان را اضافه کنید، با مجموعه ای از اعتصاب کارگری روبرو هستیم که آغاز یکدوره جدید کشمکش طبقاتی در ایران را تصویر می کند. این تحرک عظیم کارگری زمانی رُخ میدهد که نیروهای اپوزیسیون راست و بورژوازی ایران خود را برای پروژه انتقال قدرت بدون دخالت پاتین یا با حداقل دخالت جامعه آماده میکردند و همزمان جمهوری اسلامی برای بقاء تلاش گسترده ای را برای مذاکره با آمریکا و شرکای اروپایی و همینطور معامله با چین و روسیه در دستور گذاشته است. مستقل از اینکه راجع به این تلاشهای حکومت و اهداف آن چگونه فکر میکنیم، کل این وضعیت فضای شدت قطبی سیاست ایران را ترسیم میکند. حضور گسترده و همزمان و تکان دهنده اعتصابی طبقه کارگر، اگر از یکسو بر ظرفیتهای عظیم اعتصابات کارگری و جایگاه مهم جنبش کارگری در سیاست ایران تاکید دارد و جنبش رهائیبخش کارگری را بعنوان یک آکتور مهم سیاست بجلو میراند، از سوی دیگر و تاکنون چند شعار و تبیین ناظر بر این سیاستهای کلیشه ای را منسوخ اعلام کرده است.

### ۱- تشکل سراسری کارگران

یک نظر و نگرش رایج میان چپ و حتی میان بخش مهمی از فعالین کارگری تاکنون این بوده که کارگران تشکل ندارند، پراکنده اند، باید تشکل مستقل کارگری ایجاد کرد، باید سازمانهای سراسری یا تشکل سراسری طبقه را ایجاد کرد، در غیر اینصورت مبارزات روزمره اقتصادی طبقه برای اهداف محدود بجائی نمیرسد. حتی برخی ایجاد تشکل سراسری را بدون ایجاد تشکلهای پایه در مراکز کار دنبال می کردند. واقعیت این بوده و هست که در کشورهایی مانند ایران ایجاد سازمان کارگری بادوام، برسمیت شناخته شده، توده ای و علنی که بتواند کارگر را در کشمکش با کارفرما و در سیاست نمایندگی کند، امکان پذیر نیست. ممکن است اینجا و آنجا سازمان و تشکلی ایجاد شود اما بسرعت زیر ضرب امنیتی میرود و فعالین آن مورد پیگرد قرار می گیرند. حتی آنجا که فعالین در قلمروهای تلاش کردند "از ظرفیتهای قانونی" مانند انجمن های صنفی استفاده کنند و یا با تغییر در سیاستها از آن بعنوان تشکلی که بتواند سرش را روی آب نگاهدارد و کار بکند بهره جویند، موانع جدی و اساسی سر راهشان سبز شده است. سالهای قبلتر، تلاش برای ایجاد و کمک به ایجاد تشکل کارگری به نتیجه ای نرسید و فعالین آن نیز آنرا به فراموشی سپردند. نهایتاً کمیته هائی از فعالین سیاسی و کارگری شکل گرفت که نتوانست با سوخت و ساز طبیعی مبارزه کارگری یکی شود و عمدتاً نهادهائی بیرون محیط کار بودند.

## جنبش کارگری،

## نبض تپنده سیاست ایران

### سیاوش دانشور

هرچه جلوتر میرویم، یک واقعیت سیاسی بیش از پیش مُسجل می شود؛ جنبش کارگری تنها جنبش پر سر و صدا، نبض تپنده سیاست ایران و تنها جنبش نیرومندی است که میتواند با پرچم رهائی سوسیالیستی جامعه را از وضعیت مشقت بار کنونی آزاد کند. معنی این حرف این نیست که جنبشهای دیگر در سیاست ایران حضور ندارند یا نخواهند داشت. روشن است که برابری و رفع تبعیض یک تمایل گسترده در جامعه است، واضح است که تحرک جنبشهای دست راستی را نمیتوان با تند شدن ریتم سیاست در ایران نادیده گرفت. تردیدی نیست که تقابل با اسلامیت رژیم، تقابل با تبعیض رسمی و قانونی، تقابل با آپارتاید جنسی و نابرابری زن و مرد در شئون مختلف اجتماعی، اعتراض به هر نوع ستم و اعمال محدودیت، مبارزه برای آزادیهای سیاسی و شکستن سدّ اختناق، بیوقفه در جریان است. همینطور خواست عمومی سرنگونی حکومت اسلامی که تجربه نبردهای قهرمانانه دیمه نود و شش و آبان نود و هشت را دارد و تلاش برای ازسرگیری آن، یک کابوس واقعی رژیم اسلامی است. اینها و بسیاری از مشکلات جامعه ایران و بالطبع تحریکات و خواستهائی که برای رفع آنها وجود دارند، در ترسیم چهره آتی سیاست ایران نقش دارند. کارگر و نقد سوسیالیستی و کمونیستی طبقه کارگر خود شکل دهنده و موتور محرکه بخش مهمی از جنبشهای ضد تبعیض و برابری طلب است.

مسئله مورد اشاره این یادداشت، اما تاکید بر نقش تعیین کننده و پر اهمیت جنبش کارگری ایران در تحولات سیاسی است. جنبش کارگری ایران، اگر عقب تر نرویم، طی پنج سال اخیر در اشکال اعتراضات توده ای و بزرگ و پیوسته بمیدان آمد. خیزش دیمه نود و شش شکلی از اعتراض طبقه کارگر و محرومان بود که روی دوش اعتراضات کارگری عروج کرد. جنبشی که بنوبه خود تناسب قوای جدیدی در سیاست ایران ایجاد کرد، سرنگونی خواهی را به صدر راند، به اعتراضات کارگری سال نود و هفت قامت و ظرفیت جدیدی داد و آبان نود و هشت محصول دیگر آن بود. اگر هنوز در ماههای اول سال نود و هفت، چه در حکومت و چه در اپوزیسیون، برخی براین باور بودند که "دیمه نود و شش شورشی بود که آمد و رفت"، رویدادهای بعدی نشان داد که این ارزیابی بسیار خام اندیشانه و خوشباورانه بوده است. مسئله کرونا در مقیاس جهانی ترمزی به ارکان اصلی فعل و انفعال در جامعه زد. اما این رویداد در ایران، نظر به وضعیت معیشتی وخیم مردم و عملکرد جمهوری اسلامی در ایندوره خطیر، نتوانست خیلی وقت تنفس بخرد. برای مردمی که غم نان شب داشتند، اساساً معنی تنفس نداشت، جز اینکه کار و تهیه نان اینبار با مخاطرات جانی بیشتری همراه شد. ما براین نظر بودیم و اعلام کردیم که بحکم اوضاع عینی جامعه ایران و مشخصات بحران اقتصادی، دور جدیدی از اعتراضات توده ای و اعتصابات کارگری قریب الوقوع و حتی محتوم

## جنبش کارگری،

### نبض تپنده سیاست ایران ...

مشترک، شرایط کار مشترک، خواسته‌های کمابیش مشترک دارند که امکان عمل مشترک را در تناسب قوای کنونی ممکن میکند. ثانیاً، کارگران در مراکز و رشته‌های مختلف از شرایط و آمادگی یکسانی برخوردار نیستند. ثالثاً، این تنها راه گسترش اعتراضات و بدست دادن الگو برای بخشهای دیگر طبقه کارگر است که کمابیش با مشکلات مشابهی درگیرند.

#### خواسته‌های مرکزی و سراسری

جنبش کارگری ایران در قلمروهای کار، شرایط کار، قراردادهای، امنیت شغلی، دستمزدها، رفاه، برابری و رفع تبعیض خواسته‌های متعددی دارد. فعلاً از افق و سیاست کارگری و سوسیالیستی برای تغییرات اساسی جامعه و طرح آلترناتیو اجتماعی برای آینده سیاست ایران می‌گذرم که نیازمند بحث مستقلی است. تغییرات در سازمان کار، ورود شرکت‌های پیمانی به بازار کار، واگذاری‌ها و روند موسوم به خصوصی‌سازی در ایران که تابلوی چپاول اموال عمومی بنفع هزار فامیل دولتی و حکومتی است، شرایط بسیار بغرنج و پیچیده‌ای را به شرایط کار، استخدام، ایمنی شغلی، حقوق و مزایا و مهمتر سازماندهی کارگری تحمیل کرده است. روند عمومی اینست که کارگر هر روز در موقعیت ناامن‌تر و منزوی‌تری و سرمایه و کارفرمایان در موقعیت تعرضی‌تری برای استثمار کارگران قرار می‌گیرند. وجود یک ارتش ذخیره نیروی کار، بیکاری نجومی، این امکان را به سرمایه‌دار میدهد که صفوف کارگران را متفرق و سطح دستمزدها را حداقل‌امکان پائین بیاورد، همان دستمزدهای ناچیز را نیز ماههای متوالی نپردازد و از بیکاری وسیع بعنوان اهرمی کارا برای تحمیل شرایط سرمایه‌دار به کارگر بهره‌جوید. همینطور مسئله واگذاری‌ها، وارد شدن به بازار بورس و تبدیل شدن بورس و خرید و فروش سهام به یک رکن فعالیت اقتصادی، آخرین رمق و اندوخته صندوقهای بیمه و بازنشستگی و حتی مراکز کار کارگران را مورد تهدید جدی قرار داده است. وجود هزاران شرکت پیمانی و عمدتاً جعلی و وابسته به خود شرکت‌های اصلی که واسطه ارائه نیرو و خدمات به شرکت‌های مادر هستند، صفی از باجگیران و راهزنان دستمزد و مزایا و اندوخته کارگران که قادر شده‌اند یک برده داری جدید را به شرایط کار و زندگی کارگران در ایران حاکم کنند، مناطق آزاد تجاری که هیچ قانونی شامل آنها نمی‌شود، به یک معضل جدی و روزمره بدل شده است.

خواسته‌های کارگران در اعتصابات بیش از چهل مرکز کارگری عمدتاً برسر نقد کردن حقوقهای معوق، بیمه و مزایا، بخشا اضافه دستمزد، تغییر شرایط کار و قراردادهای، لغو شرکت‌های پیمانی، لغو خصوصی‌سازی و ممانعت از واگذاری شرکتها به بازار بورس است. کارگران همواره از دریچه خواسته‌های عمومی و اقتصادی وارد کشمکش و اعتصاب می‌شوند اما نفس حضور اعتصابی کارگران در جامعه و تاثیری که بر روند سیاسی می‌گذارد، بسیار فراتر از چهارچوب مطالباتی است که طرح می‌کند. در عین حال، این دوره مشخص و اعتصابات مجتمع نیشکر هفت تپه، هفت تپه مغان، معادن کرمان، هیکو، آذرب، مجتمع ملی فولاد اهواز، پالایشگاههای نفت و گاز، پتروشیمی‌ها و غیره، خواسته‌های طبقه کارگر ایران را حول سوالات مشخصی کنونی و متمرکز کرده است. خواسته‌هایی که عمومی و سراسری‌اند و بخشهای مختلف طبقه کارگر در مراکز مختلف تولیدی و خدماتی و درمانی و آموزشی با آن روبرو هستند. این خواسته‌ها اساساً حول نفی شرکت‌های دلال و واسطه پیمانکاری، نفی و تقابل با پیامدهای روند موسوم به خصوصی‌سازی، برای تامین شرایط کار و استخدام و رفاهیات عمومی، تامین امنیت شغلی و مقابله با فقر و فلاکت اقتصادی و بیکاری و

جمع‌بندی این تجارب، ناکارا بودن آنها، رویدادهای دیمه‌نود و شش و نود و هشت، واقعه سیل و زلزله، نوعی از عمل و سازمانی برای اعمال اراده مستقیم کارگری و توده‌ای را الزامی کرد که مجمع عمومی رکن اساسی آن شد. یک حرکت در سنت شورائی، توسط خود توده کارگر و زحمتکش در کارخانه و محله، بویژه ارگانی در اعتصاب و مبارزه کارگری برای دخالت مستقیم و مستمر توده کارگران در امر مشترک خویش، یعنی آنچه که ایجاد تشکل کارگری در بهترین و عالیترین شکل خود میخواست آنرا محقق کند. امروز مجمع عمومی و سنت شورائی شکل حاکم بر هر اعتراض و اعتصاب کارگری است و تعداد بسیار بیشتری از فعالین دیروز سنت‌های منسوخ فوق را به این مسیر آورده است. این مجامع عمومی باید سرعت به "جنبش مجمع عمومی" ارتقا یابند و جنبش مجمع عمومی پایه‌های اساسی یک جنبش قدرتمند شورائی - کارگری است که در هر تناسب قوا، از امروز تا پیروزی میتواند نقش سازمانگری، مبارزاتی، نقش ارگانهای قیام و بعد از پیروزی و یا آزاد کردن هر منطقه نقش ارگانهای حاکمیت کارگری و توده‌ای را تضمین کنند.

#### ۲- اعتصاب سراسری

"اعتصاب سراسری" و "پیش بسوی اعتصابات سراسری"، نیز یک شعار دیگر است که کم و بیش توسط بخش عمده‌ای از نیروهای چپ و کمونیست در ایران تکرار میشود. این شعار واقعی نیست، به تجربه مشخصی متکی نیست، امکان عینی وقوع آن شاید بجز تحت شرایط بسیار خاصی وجود ندارد، صرفاً یک شعار است، عمدتاً و در بهترین حالت جایگزینی و تلاش برای تحمیل ذهنیت گوینده اش در قاپ واقعیت است، واقعیتی که بسیار پیچیده و چند بعدی است و در دنیای واقعی به چیزی جز این نوع اظهارات گواهی میدهد. شعار "اعتصاب سراسری" ادامه شعار "ایجاد تشکل سراسری" است. در انقلاب ۵۷ ایران ما با اعتصاب سراسری کارگران مواجه نبودیم، در کمتر تحول مهم سیاسی چنین اتفاقی رخ داده است. ما همواره بر جنبش مجمع عمومی و سنت شورائی، گسترش اعتصاب کارگری رشته‌ای در شهرها و استانهای مختلف تاکید داشتیم. این بسیار فرق دارد با اعتصاب سراسری که طبق تعریف باید از کارخانجات مهم صنعتی ایران تا کارگاههای کوچک و متوسط و بخشهای موسوم به خدماتی و غیره را دربرگیرد. همینطور جنبش کارگری تجربه اعتصاب فرا فابریکی و فرا شهری رشته‌ای را دارد. بویژه در تناسب قوای سیاسی کنونی، اختناق حاکم و فقدان سازمانهای مستقل و برسمیت شناخته شده کارگری، هم امکان پذیر است و هم تجربه اش وجود دارد. اعتصاب و تجمع در چند شهر و استان کارگران پتروشیمی، برق، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، کارگران شهرداریها، و اخیراً کارگران نفت و گاز و پتروشیمی در چند شهر و استان بطور همزمان، بیانگر واقعی بودن سیاست گسترش اعتراض کارگری در سطح رشته‌ای است. دلایل امکانپذیری این سیاست بسیار روشن است؛ اولاً، کارگران در هر رشته صنعتی یا مرکز کاری اعم از تولیدی و خدماتی، مسائل

## جنبش کارگری،

### نبض تپنده سیاست ایران ...

نامانی اقتصادی است.

#### اوضاع امروز دریچه ای به آینده

اعتصابات کارگری امروز دریچه ای به تصویر کشمکش گسترده طبقاتی در ایران با جمهوری اسلامی و هر دولت سرمایه داری دیگر است که کمابیش با جمهوری اسلامی یک سیاست واحد اقتصادی را دنبال می کنند. در این کشمکش جنبش کارگری نماینده اکثریت عظیمی از جامعه است که اسیر پیامدهای بحران اقتصادی و فقر و بیکاری ناشی از آنند. جنبشهای بورژوازی در صورت مسئله با جمهوری اسلامی شریک اند و ادعای "گشایش اقتصادی" و حل بحران و ایجاد کار و برسمیت شناسی "حقوق صنفی کارگران"، حتی بعنوان ادعا مسخره است. کارگر امروز رسماً دولت سرمایه داران و سیاست ضد کارگری را بمصاف طلبیده و در مقابل سیاست بالاکشیدن اموال عمومی در قمارخانه بازار بورس، بر مالکیت عمومی کارگر بر محل کار و طبیعت و معدن و منابع تاکید دارد. وقتی کارگر معدنچی یا نیشکری میگوید "این کارخانه مال ماست"، من کاری ندارم سیاست اقتصادی تو چیست، من مخالفم و نمیگذارم، یعنی اینکه این کشمکش امری صرفاً مربوط به امروز و برای رفع تنگناهای اقتصادی موقت نیست. بلکه مقدمه ای بر خلع ید از طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری است که کل هستی طبقه کارگر و به این اعتبار جامعه را به گروگان گرفته است و مشتکی تازه بدوران رسیده سوپر بلیونر، لایه ای از ریچ کیدزها و نکبت زاده ها، بخش وسیعی را به زندگی در خط مرگ و گرسنگی و سوتغذیه محکوم کرده است. در دنیای امروز

سرمایه داری بویژه در دوره های بحران اقتصادی امکان رفرم ندارد. تنها سیاست آنها اعمال ریاضت بیشتر اقتصادی و پروار کردن بیشتر سرمایه داران است که هر روز تعدادشان کمتر میشود. در کشورهایی مانند ایران که استثمار خشن نیروی کار ارزان و مشت آهنین اختناق و دیکتاتوری اصل اساسی حاکمیت سرمایه داری است، این روند بمراتب وحشیانه تر و جنایتکارانه تر است. بورژوازی ایران در هر لباسی همین است و طبقه کارگر وارد دوره ای شده است که باید با کل این طبقه در هر لباس و رنگ پرچمی تعیین تکلیف کند. همه اینها می گوید که بیش از هر زمان آزادی مردم ایران در گرو دست بالا پیدا کردن کارگر و راه حل سوسیالیستی طبقه کارگر در روند سیاسی پیش رو است.

یک واقعه مهم و قابل توجه دیگر، پیشی گرفتن امواج اعتراض و اعتصاب کارگری به خیزش های توده ای علیه فقر و گرانی است. شورش گرسنگان می تواند به حرکتی کور بدل شود و حتی بسرعت قلع و قمع شود، اما حضور کارگر در صحنه سیاست افق و مبانی رفاه همگانی را طرح می کند، سنت سازمانگری و مبارزاتی را به جامعه تسری می دهد، به خیزش های توده ای جهت و سیاست می دهد، می تواند یک شورش کور را به حرکت آگاهانه طبقه کارگر و توده های ستمدیده بدل کند. جنبش کارگری ایران از هر جهتی یک نیروی اجتماعی و قدرتمند و غیر قابل حذف، یک افق اجتماعی و طبقاتی متمایز و قلب تپنده سیاست ایران است. این جنبش و تحرک آن در عین حال صفوف نیروهای اجتماعی و طبقاتی را بیش از پیش پلاریزه می کند و میخ آخری بر تابوت پوپولیسم می زند. پوپولیسم چپ آینده ای ندارد، اما در شرایطی که جنبش واقعی و جاری کارگری، جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر نوید دنیای بهتری را می دهد، بورژوازی تنها می تواند با راست فاشیست طبقه اش را در دوره تحولات زیر و رو کننده، در دوره انقلابی، نمایندگی کند.

۱۳ اوت ۲۰۲۰

## هفت هزار تپه برپا کنیم!

### اطلاعیه جمعی از فعالین کارگری شهرستانهای اشنویه، نغده، پیرانشهر

شبی در این فلات فلاکت زده در گشت و گذار است. در این دریای ثروت اکثریتی گرسنه و فقیر زنجیرهای بردگی را بصدا درآورده اند. این هنوز آغاز جدی تر نبرد فقر و ثروت و بعبارت رساتر نبرد کار و سرمایه است. ربایندگان ثروت و برخورداران از این چپاول آنگاه این فریاد ها را خواهند شنید که دستانمان بهم برسد و زنجیرها بگسلد و آنگاه جهانی نوین سر برخواهد آورد. بدون بردگی کارمزدی، بی گرسنگی و تن و فرزند فروشی، بدون گورخوابی. در آن هنگام مردمان بی لیخن چنان قهقهه سرخواهند داد که چشمه بجوشد و کوه سبزه پوشد و طبیعت آرام گیرد. و این رویا نیست فقط مشروط به اتحاد اردوی بیشمار کار و زحمت حول برنامه ای اداره ی شورایی جامعه است. از صفر تا صد باید شورا را زندگی کنیم. آندم پیکار نهایی برای برپایی جهانی نو آغاز میشود. بایستی همه فراخوانده شوند؛ پرستاران، معلمان، بازنشستگان و خلاصه همه ی طبقه و متحدان باید در این کارزار همراه شوند. بگذار هفت هزار تپه برخیزد. اکنون کارگران نفت و پتروشیمی به فریاد آمده اند، دیر نیست که شریان ثروت و مکت و رانت و مخازن تدارکاتی سرکوب با اعتصاب و اعتراض کارگران نفت و پتروشیمی قطع گردد. باید مراقب فتنه و توطئه دشمنان باشیم که این هیولایی مکار و حیلگر است.

ما جمعی از فعالین کارگری که خود را بخشی از اردوی کار در نبرد بی امان کار و سرمایه میدانیم حمایت بیدریغ خود را از تمامی مطالبات کارگران هفت تپه، صنایع نفت و پتروشیمی، هیکو و سایر اعتراضات کارگران و زحمتکشان اعلام نموده و خود را ملزم به ابراز همبستگی با آنان میدانیم. باشد تا درسراسر ایران هفت هزار تپه برپا کنیم.

نان، کار، آزادی، اداره ی شورایی!

۲۰/۵/۱۳۹۹

## در دفاع از مبارزات کارگران و اعتصاب موفق کارگران هفت تپه

حزب حکمتیست همراه جریان‌های چپ و کمونیست و شورا  
آکسیون را برگزار میکند

شنبه ۱۵ آگوست ۲۰۲۰

ساعت ۱۵

مکان: Mynttorget

تلفن تماس برای اطلاعات بیشتر

۰۷۶۷۰۶۰۴۶۱ مختار محمدی

۰۷۳۶۲۲۸۷۲۶ محمود محمدزاده

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran - HeKmatist



**از اعتراضات و اعتصابات  
گسترده کارگران در  
هفت تپه، هپکو و صنایع نفت و  
گاز و پتروشیمی حمایت  
کنیم...**

### اعلامیه حزب حکمتیست

## کرونا جان زندانیان سیاسی را تهدید می کند!

### جمهوری اسلامی مسئول جان زندانیان سیاسی است!

بنا به اخبار منتشر شده، تعدادی از زندانیان بند هشت زندان اوین دچار بیماری کرونا شده اند. بدنبال بروز علائم بیماری میان تنی چند از زندانیان در سه شنبه هفته گذشته و اعتراض زندانیان، بهداری اوین از ۱۷ نفر از زندانیان بند هشت اوین تست کرونا گرفته است. نتیجه این تست که امروز یکشنبه ۱۹ مرداد اعلام شده، اینست که تست ۱۲ نفر از ۱۷ نفر مثبت بوده و به ویروس کرونا مبتلا شدند و در درمانگاه زندان بستری شده اند. از میان این زندانیان مبتلا شده اسماعیل عیدی معلم زندانی و جعفرعظیم زاده فعال کارگری با وخامت حال به درمانگاه زندان منتقل و بستری شده اند.

جمهوری اسلامی مسئول مستقیم جان و امنیت و سلامتی زندانیان است. هر اتفاقی در زندان رخ دهد و زندانی به هر دلیلی اعم از بیماری و یا با صحنه سازی آسیب ببیند و یا به قتل برسد، تماما مسئولیت مستقیم آن بعهد حکومت است. زندانها از نظر استانداردهای ایمنی و بهداشتی بدترین موقعیت را دارند، با موج جدید کرونا و تلاش جنایتکارانه جمهوری اسلامی برای صدمه زدن به زندانیان، جان آنان در خطر جدی قرار دارد. با اعتراض دولت را موظف کنیم که از همه زندانیان تست بگیرد، بیماران را بسرعت در بیمارستانی مجهز بستری و تحت درمان قرار دهد و مابقی زندانیان سیاسی را آزاد کند. کارگر زندانی، زندانی سیاسی، بی قید و بی وثیقه، آزاد باید گردد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱۹ مرداد ۱۳۹۹ - ۹ اوت ۲۰۲۰

- ۴-انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان
- ۵-کانون صنفی معلمان اسلامشهر
- ۶-کانون معلمان همدان
- ۷-کانون صنفی فرهنگیان گیلان
- ۸-کانون صنفی فرهنگیان خوزستان
- ۹-کانون صنفی معلمان الیگودرز
- ۱۰-انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه
- ۱۱-انجمن صنفی معلمان کردستان-سقز و زیویه
- ۱۲-شورای صنفی دانشگاه صنعتی شیراز
- ۱۳-شورای صنفی دانشگاه بین الملل قزوین
- ۱۴-شورای صنفی پردیس هنرهای زیبای تهران
- ۱۵-شورای صنفی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل
- ۱۶-جمعی از واحدهای شورای صنفی دانشگاه بوعلی سینای همدان
- ۱۷-شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی
- ۱۸-شورای صنفی خوابگاه‌های سطح شهر دانشگاه تهران
- ۱۹-نشریه حامی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل
- ۲۰-نشریه کران دانشگاه امیرکبیر
- ۲۱-نشریه بوم‌بان دانشگاه بین الملل قزوین
- ۲۲-نشریه چارچوب دانشگاه بین الملل قزوین
- ۲۳-نشریه دایره دانشگاه بین الملل قزوین
- ۲۴-نشریه ضد دانشگاه مازندران
- ۲۵-نشریه باور دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهبشتی
- ۲۶-نشریه هلا دانشگاه تهران
- ۲۷-نشریه پرومته دانشگاه تهران
- ۲۸-نشریه بذروباد دانشگاه علامه طباطبایی
- ۲۹-نشریه پرانتز دانشگاه تهران
- ۳۰-نشریه ایستگاه دانشگاه صنعتی شیراز
- ۳۱-نشریه تقاطع دانشگاه صنعتی شیراز
- ۳۲-نشریه چشمک دانشگاه تهران
- ۳۳-اتحاد سراسری بازنشستگان ایران
- ۳۴-کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری
- ۳۵-گروه اتحاد بازنشستگان
- ۳۶-اتحاد بازنشستگان
- ۳۷-کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل‌های کارگری

## حمایت سندیکاها، تشکلات مستقل کارگری، کانون‌های صنفی معلمان، شوراهای صنفی دانشجویان و نشریات دانشگاه‌ها و بازنشستگان از اعتصابات سراسری در کشور

### از اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگران در هفت‌تپه، هپکو و صنایع نفت و گاز و پتروشیمی حمایت کنیم.

این اعتراضات گسترده، هم‌زمان و با خواستی واحد یکی از نقاط عطف مبارزات کارگران ایران در تاریخ محسوب می‌شود. این بار کارگران صدای اعتراض خود را رساتر و گسترده‌تر از همیشه به گوش صاحبان سرمایه و حکومت رسانده‌اند. آنان در اعتصابی نسبتاً هماهنگ و همسو خواهان افزایش دستمزد، پرداخت حقوق معوقه، تأمین امنیت شغلی، برچیده شدن بساط شرکت‌های پیمانی، لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء، بهبود شرایط و امکانات خوابگاهی و بهداشتی، و نیز لغو خصوصی‌سازی شده‌اند. مطالباتی که تحقق آن‌ها سال‌هاست مدنظر کارگران بوده و در اولویت خواست‌ها و تحرکات اعتراضی اکثر قریب به اتفاق کارگران است. از این رو ما در یکی از لحظات تاریخی رویارویی طبقه‌کارگر با طبقه‌حاکم قرار داریم.

ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام می‌کنیم در بحران اقتصادی کنونی این سرزمین، بسیار طبیعی و قابل انتظار است که هر روز شمار بیشتری از کارگران و گروه‌های تحت ستم به این اعتصاب‌ها بپیوندند؛ اعتصاباتی که به‌علت جان به لب رسیدن مردم از بحران ناشی از خصوصی‌سازی، آزادسازی قیمت‌ها، نزول سطح معیشتی کارگران به خط مرگ (و نه دیگر خط فقر)، عدم پرداخت همان دستمزدهای به‌غایت ناچیز از جانب دولت و کارفرمایان، و عدم دسترسی به حداقل‌های معیشتی و حیات برقرار می‌شود. بدیهی است برای اینکه این اعتصاب‌ها بتوانند در گسترش خود، تا تحقق خواست‌ها تداوم یابند باید کارگران اعتصابی بتوانند خود بیش و پیش از هرچیز متشکل و متحد شده و امر خطیر تشکلیابی مستقل و متکی به اراده و توان کارگران را در همین شرایط حساس دنبال کنند و به منصه ظهور برسانند.

ما امضاء کنندگان این بیانیه ضمن حمایت از حرکت‌های اعتراضی و اعتصاب گسترده و منسجم کارگران و پشتیبانی از خواست و مطالبات برحق آنان همچون افزایش دستمزدها، پرداخت فوری و بدون قید و شرط حقوق و مزایای معوقه کارگران، برچیده شدن بساط شرکت‌های پیمانکاری، لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء، و مهم‌تر از همه لغو خصوصی‌سازی عرصه‌های مختلف اجتماعی، خطاب به کارگران و مردم اعلام می‌کنیم اتحاد کارگران اعتصابی و ایجاد تشکلهای مستقل، اصل حیاتی پیشروی طبقاتی است و تحقق این مهم حمایت و اتحاد هرچه بیشتر گروه‌های مختلف اجتماعی را می‌طلبد.

۹۷/۰۵/۲۲

- ۱- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
- ۲- سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه
- ۳- کانون صنفی معلمان تهران

صفحه ۱۵

در ادامه مبارزه و مقاومت خستگی‌ناپذیر و دلاورانه کارگران شرکت هفت تپه و اعتصاب و اعتراضات خیابانی آن‌ها، هزاران کارگر شاغل در صنایع نفت و گاز و مجتمع‌های پتروشیمی در اهواز، آبادان، اصفهان، قشم، ماهشهر، کنگان، لامرد، مَهر، جفیر و دشت‌آزادگان، نیروگاه برق سبلان و شرکت نصب نیرو در اردبیل و همین‌طور کارگران صنایع سنگین هپکو در اراک، یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین اعتصابات کارگری سال‌های اخیر را رقم زده‌اند.

کارگران سال‌هاست که در چنبره مناسبات استثمار، ستمگرانه و ضدکارگری حاکم گرفتار شده و به شدیدترین شکل ممکن توسط صاحبان سرمایه و کارفرمایان - اعم از کارفرمایان بخش خصوصی و دولتی - استثمار می‌شوند. آنان در تمامی این سال‌ها حتی از ابتدایی‌ترین حقوق خویش محروم بوده‌اند. دستمزدهای به مراتب زیر خط فقر، حقوق‌های پرداخت نشده و معوقه، اخراج و بیکارسازی‌های گسترده و مداوم، حاکمیت شرکت‌های پیمانکاری و واسطه‌ای، فراگیری قراردادهای موقت و سفید امضاء بر بازار کار، آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌سازی آموزش، سلامت، مسکن و... تنها نمونه‌هایی از تضییع حقوق کارگران و گروه‌های تحت ستم در طول این سال‌ها بوده که توسط صاحبان سرمایه و دولت‌های حامی آنان، به کارگران تحمیل شده است. از سوی دیگر فرزندان این کارگران نیز با توسعه پولی‌سازی آموزش بیش از پیش گرفتار فاصله طبقاتی و حذف اجتماعی می‌شوند. هر زمان هم که کارگران در برابر تحمیل این همه بی‌عدالتی آشکار به مخالفت برخاسته‌اند، پاسخی جز تهدید و ارعاب و دستگیری و زندان عایدشان نشده است.

با این وجود کارگران هرگز از مبارزه علیه تضییع حقوق حقه‌ی خویش به دست عوامل سرمایه ساکت نمانده و در تمامی این سال‌ها به حکم شرایط کار و زندگی برای تحقق مسأله نان، کار و آزادی مبارزه کرده‌اند و هزینه‌های فراوانی نیز بابت این مبارزات پرداخته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به مبارزات کارگران شرکت واحد، هپکو، آذراب اراک، فولاد اهواز، کارگران معادن، معلمان سراسر کشور، بازنشستگان و فرزندان کارگران در جریان صنفی دانشجویی اشاره کرد که از ابتدای دهه‌ی ۹۰ در سنگرهای مختلف علیه سیاست واحد خصوصی‌سازی و سلب حق حیات و تشکلیابی زحمتکشان یکفلس مبارزه کرده‌اند.

در این شرایط که اعتصابات جاری کارگران هفت‌تپه در گرمای تابستان خوزستان و باوجود بحران کرونا، ۵۹ روز است که ادامه یافته، اعتراضات و مبارزات کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی نیز در ادامه روند اعتراضی کارگران سراسر ایران برای رودرویی با سرمایه، تحقق خواست‌های معیشتی و رهایی طلبانه در جریان است.